

سازماندهی و ضرورت آن در دوره کنونی

(بخش اول)

سعید جهانگیری

این نوشته در دو بخش ارائه می‌شود. بخش اول آن فعالیت‌های کارگری تا مقطع سال ۱۳۷۵ و بخش دوم فعالیت‌های کارگری را تا امروز مورد بررسی قرار می‌دهد و هر دو بخش در پیوست با یکدیگر می‌باشد.

مقدمه

امر سازماندهی طبقه کارگر و فعالان حقوق کارگری همواره از مسائلی بحث‌انگیز و مورد مناقشه بوده است. آیا اساساً فعالیت‌های کارگری نیاز به سازماندهی ویژه ای دارند و سازماندهی کارگری امری جدا از مبارزات روزمره است. آیا فعالین کارگری در شرایط ویژه‌ای قرار دارند؟ آیا مبارزات کارگری در این دوره بر فعالین کارگری ایران شرایط ویژه ای تحمیل کرده است؟ یا آنچه برای فعالین کارگری پیش آمده، در دیگر جاهای جهان نیز رخ داده است؟ آیا فعالین کارگری در موقعیتی ممتاز، در شرایط فراتری در متن مبارزات جاری ایران قرار دارند؟

ما می‌دانیم که این ویژگی‌ها ناشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فقط ایران نیست بلکه در همه جای دنیا شرایط کم و بیش این گونه هست، آنچه باید ما را به تکاپو بیاورد نقش لغزنده‌ای است که سازماندهی در مبارزات کارگری دارد، زیرا جنبش کارگری دائماً در حال تولید و بازتولید روش مبارزه است. در همین حال باید به روش مبارزه طبقاتی نقد زد. زیرا در جاهایی مرز مابین فعالیت کارگری و فعالیت سیاسی مغشوش است و آن را به عامی‌گری طبقاتی، تاریخی و انسانی کشانده است. تنها ویژگی این دوره از تاریخ مبارزات کارگری در این است که جنبش کارگری ایران چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه ای به عنوان سوژه تغییرات بنیادی مطرح می‌شود. اگر به نقد ویژه این روش و عامی‌گری در تاریخ صد سال گذشته بنشینیم و بدانیم که برای آن همه صداقت، شهامت ارزش قائل شویم باید برای بهتر شدن اش قلم و قدم بگذاریم.

تبلیغ، ترویج و سازماندهی در ایران همیشه یکی از مباحث بسیار پیچیده و مهمی بوده و هست و به دلیل استبداد حاکم پرداختن به آن توسط دیدگاه‌های متعددی صورت گرفته است و همیشه با تعابیر متفاوتی به آن پرداخته شده است. تحلیل‌ها گاه مبالغه‌آمیز و گاه مخاطره‌آمیز است. کتاب‌های تحلیلی بسیاری در رابطه با طبقه کارگر وجود دارد بسیاری از متون نوشته شده در باره مبارزات کارگری که در آن به مساله تشکیلاتی سیاسی و نقش آن در جنبش کارگری پرداخته شده است، به صورت تاریخ شفاهی و بر اساس خاطره‌نویسی است و آن گاه هم که از نگاه تشکیلاتی به جنبش کارگری برخورد شده، بیشتر جنبه حزبی و گروهی داشته است.

درخواست افزایش حقوق – گرفتن لباس کار در هر فصل یک دست، کفش کار و کفش ایمنی – داشتن ایمنی، گرفتن حقوق‌های معوقه و از همه مهم‌تر داشتن کار، کارگران را به خیابان می‌آورد ولی ادامه نگه داشتن کارگران در خیابان و رسیدن به خواست‌ها و

پیشبرد مبارزه برای خواست‌های بیشتر نیاز به امر سازماندهی دارد. در نبود سازماندهی شاهد حرکات از هم جدای بسیاری خواهیم بود که نمی‌توانند به هم نزدیک شوند.

پرسش واقعی که باید در این دوره پرسید این نیست که آیا حزب، یا سازمان‌های مدعی جنبش کارگری توانسته‌اند به جنبش متشکل، سندیکایی، اتحادیه‌ای یا شورای نزدیک بشوند بلکه این است که آیا جنبش متشکل کارگری به این احزاب یا سازمان‌های کارگری نزدیک است یا نه؟

برای پاسخ به این مسئله به مطالب زیر می‌پردازیم:

- سازماندهی کارگری چیست؟
- و با بررسی تاریخ جنبش کارگری، مشخص کنیم که سازماندهی کارگری در ایران چگونه صورت گرفته است.
- و در انتها نیز به جمع بندی شیوه‌های سازماندهی در یک دهه اخیر جنبش کارگری ایران می‌پردازیم.

سازماندهی کارگری چیست و سازمانده کارگری کیست؟

در کتاب‌های موجود کارگری به زبان فارسی بیشتر به ساختار نهاد کارگری اشاره شده است و به این مسئله که این نهادها چگونه و توسط چه متدی ساخته می‌شوند، توجهی نشده است. خاطره‌نویسی هم تنها در پس یک شرایط غبارآلود و بعد از واقعه بوده که همیشه تعبیرات خودش را داشته و تنها به شخصیت‌سازی رسیده است. شاید آگاهی از تاریخ زندگی فعالین کارگری امیدی برای تداوم فعالیت باشد اما همان طور که افلاطون گفته: "در یک آب دوبار نمی‌شود شنا کرد" و از دو تاریخ یک چهره ساخته نمی‌شود مگر اینکه بتوانیم تعریف از سازماندهی و سازمانده ارائه کنیم.

سازماندهی در واقع تصمیم‌گیری برای چگونگی دستیابی بهتر اهداف و فعالیت‌ها می‌باشد. سازماندهی یعنی متشکل کردن افراد و جذب آنها به منظور دستیابی به اهداف مشترک و ایجاد هماهنگی و همدلی میان افراد است. سازماندهی ساز و کار هماهنگ شدن را بیان می‌کند. سازماندهی یک فرآیند است که به طور مستمر در حال انجام است و هر لحظه با توجه به اهداف و نیازهایش خود را آماده و به روز می‌کند. سازماندهی باید علاوه بر مستمر بودن، باید بتواند هماهنگی و همکاری و همدلی و انگیزه دستیابی افراد برای رسیدن به اهداف تعیین شده‌ای را ایجاد نماید که هر روز با توجه به نیاز زمان خود به وجود می‌آید و تلاش نماید که به طور مستمر سطح آگاهی و اطلاعات و نحوه دستیابی به اهداف را تعلیم داده و به طور عملی کارگران را برای احقاق حقوق خود به تحرک و فعالیت وادار نماید.

سازماندهی به طور مستمر خود را باز ساری می‌کند و از تمامی توانایی‌ها و امکانات برای رسیدن به هدف با کمترین هزینه و تلفات استفاده می‌نماید. سازماندهی اول از همه باید برای افراد متشکل شده شفاف باشد (و نهاد کارگری همیشه باید آماده پاسخگویی در مورد هزینه‌ها و منابع مالی‌اش باشد)، تقسیم کار، آماده‌سازی و تشکیلات ویژه داشته باشد، سازماندهی مداوما باید توسعه یافته و ارتباط بین افراد و بین افراد و اهداف و نیازها را هرگز فراموش نکند. سازماندهی از تمامی ابزارهای اطرافش استفاده می‌کند تا به خواسته‌های کارگران برسد. سازماندهی نیاز به افرادی دارد که عمل‌گرا و مسلط بر آگاهی طبقاتی و شناخت جامعه باشند.

سازمانده کارگری کسی است که برای جذب دیگر کارگران برای یک امر مشترک و متشکل فعالیت می‌کند. جذب کارگر یعنی عضوگیری او. پس باید کارگر برای کار مشترک، تقاضای عضویت بدهد و باید متوجه باشد که از این عضویت در جهت منافع

خودش و دیگران استفاده می‌شود. سازماندهی کارگری با جذب نیروی کارگری می‌خواهد مواضع و خواسته‌های کارگران را جامه عمل بپوشاند. یک سازماندهی کارگری وظیفه خود می‌داند کارگرانی را که زیر پوشش یک نهاد کارگری نیستند به طرف کار متشکل جذب کند. خواست جنبش کارگری ابتدا در سیاست‌گذاری یا قرارداد دسته‌جمعی نمود پیدا می‌کند. سازماندهی کسی است که خواست کارگران را از پایین به سوی مرکزیت گسترش می‌دهد. سازماندهی کسی است که تاکتیک‌های سرمایه‌داری و مدیریت را می‌شناسد و برای خنثی کردن این تاکتیک‌ها سعی می‌کند خود را آموزش دهد و تعلیماتی را که دیده با مهارت دقیق به کار ببرد. او سرمایه را رسوا می‌کند و در پروسه‌ی کار سرمایه اختلال به وجود می‌آورد. این اختلال از زوایای متفاوت صورت می‌گیرد که تاکتیک‌های آن را کلیه کارگران در مجمع خودشان تعیین می‌کنند؛ از بست نشستن، تظاهرات، اعتراض تا اعتصاب و... است.

متشکل‌کننده قوانین و تاریخ را می‌شناسد و گاهی باید از همان قوانین به سود کارگران استفاده کند. متشکل‌کننده باید جذابیت اخلاقی و قوه مجاب‌کننده‌ی قوی در اثبات فعالیت‌هایش داشته باشد. متشکل‌کننده باید در فعالیتش جسارت و ایستادگی و در صورت لزوم توانائی خطر کردن را داشته باشد. متشکل‌کننده باید با امکانات بسیار کم بتواند فعالیت گسترده‌ای را سازمان بدهد و در شرایط مناقشه‌برانگیز فعالیت کند. یک متشکل‌کننده خوب کسی است که بتواند خوب گوش کند و نیازهای کارگران را پیش ببرد، نه آرزوهای خودش را. باید فراگیر و جمعی عمل کند، نباید سرکش و پر مدعا باشد بلکه باید فروتن و جمع‌گرا باشد.

وقتی صحبت از مبارزات و سازماندهی طبقه کارگر می‌شود در نظر غالب مردم دستگیری، زندان، اذیت - آزار، بیکاری و مهاجرت ناخواسته تداعی می‌شود به همین علت در نگاه غالب مردم بخش سرکوب شده این مبارزه برجسته است، از طرفی بخشی از روشنفکران، سازماندهی در جامعه ایران را متناسب با آینده نمی‌بینند و یا نظریات مطرح شده در باره مبارزات کارگری را در محدوده مبارزات سیاسی بررسی می‌کنند. به ندرت می‌توان در پس این تداعی، امیال و آرزوهای طبقه کارگر را برای زندگی بهتر و انسانی به نمایش گذاشت. مبارزاتی که در یک قرن گذشته توانسته مهر خودش را بر سطح جامعه ایران بکوبد. مبارزات صنفی در تمامی صد و ده سال گذشته همیشه زیر بار سنگین شکنجه، تعقیب، حبس، ترور و زندان بوده است و حتی بسیاری در راه برابری به جوخه اعدام سپرده شده اند اما

نشان داغ دل ماست لاله ای که شکفت
به سوگواری زلف تو بنفشه دمید

از دوران قاجار تا رضا شاه

پس از قتل ناصرالدین شاه و قبل از "مشروطه"^۱ جامعه ایران در یک ناآرامی کلی به سر می‌برد، فقر و فلاکت و ورشکستگی کسبه رقابت کمپانی‌های روسی و انگلیسی در ایران به شورش‌ها و مبارزان دهقانان و ایلات و عشایر دامن زده بود. در ۳۷ سال سلطنت فتحعلی شاه ۴۴ شورش بزرگ به وقوع پیوست و در مدت ۱۳ سال سلطنت محمد شاه ۱۸ طغیان اجتماعی بوقوع پیوست.^۲ به گفته کتاب آلماتروالانار تنها در دوره ناصرالدین شاه بیش از ۳۷ بار لشگرکشی برای سرکوب ترکمن‌ها و ۱۷۰ مورد طغیان و

^۱ - از همان روز که فرمان شاهنشاه مبرور انارالله برهانه شرف صدور یافت و امر به تاسیس مجلس شورای ملی شد دولت ایران در عداد دول مشروطه صاحب کنستیتوسیون به شمار می‌آید. منتها ملاحظه [ای] که دولت داشته این بوده که قوانین لازمه برای انتظام وزارت خانه ها و دوایر دولتی و مجالس بلدی مطابق شرع محمدی صلی الله علیه و آله نوشته، آن وقت به موقع اجرا گذارده شود. برای تصویر دستخط محمدعلی شاه، بنگرید به: مخبر الدوله ی هدایت، خاطرات و خطرات، تهران، زوار، ۱۳۶۳، ص ۱۴۷

^۲ - دو سند از فرقه کمونیست ص ۵۶

لشگرکشی به نواحی داخلی شهرهای مختلف و شورش‌های مردم و طغیان ایلات شمرده شده است.^۳ در چهاردهم مرداد ۱۲۸۵ مظفرالدین شاه قاجار مجلس شورای ملی در ایران را پذیرفت^۴ و آن را امضا کرد، چرا که جنبش اجتماعی آن دوره توانسته بودند روند تغییرات سیاسی را به حکومت تحمیل کند و از جوامع مشابه در منطقه که به صورت قبیله ای اداره می‌شدند فراتر رود. اگر چه جامعه ای است بسته اما تا حدی خودکفا، از آن تاریخ به تدریج روستاییان به شهرها مهاجرت کردند و با آمدن کمپانی‌های نفتی و سیل کالاهایی وارداتی سیمای جامعه ایران به تدریج تغییر کرده ولی مهاجرت روستاییان به شهرها نتوانست به خودی خود تغییری در مناسبات ارباب- رعیتی به وجود آورد و به جای آن روابط کارگری و کارفرمایی به وجود آورد.

با پیدایش سیستم سرمایه‌داری در ایران هیچ گونه ارتباطی میان صنایع و بخش‌های ارتباطی اش (زیرمجموعه اش) به وجود نمی‌آید و تنها صناعی رشد می‌کند که پیوندشان را با استعمار حفظ کنند. در نبود صنایع مادر، خرده پیشه‌وری و تولید خرد رشد کرد. اقشار میانجی جامعه به قشر وسیعی از دلالتان و کارچاق کنان شبکه نزول‌خوران و نزول‌بگیران تبدیل شدند. طبقه حاکم، اشراف و فئودال‌ها و روحانیون بودند. از هم پاشیدگی اقتصادی گروه‌های اوباش و لوطیانی را در خدمت قدرت و روحانیون قرار داد. این جنایتکاران از جان گذشته پیوسته همچون ابزار شورش در دست ملایان متعصب بودند.^۵ نظام دیکتاتوری با نظمی فئودالی با مبنای اقتصاد استعماری‌اش نه براساس بهره‌کشی طبقه ای از طبقه دیگر بلکه مبنایش غارت نظام سرمایه‌داری از نظام ماقبل سرمایه‌داری بود. سرمایه‌داران و تجار خارجی پنج درصد معافیت مالیاتی داشتند. سهم منسوجات در صادرات در بین سال‌های ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۰ میلادی به شدت پایین آمده و از ۶۱ درصد به ۱۹ درصد رسیده بود.^۶

بسیاری از کارگران و دانشجویانی که برای کار و تحصیل به قفقاز رفته بودند و در مبارزات آذربایجان، گرجستان و ارمنستان نقش فعالی داشتند، پنجاه درصد کارگران نفت باکو را ایرانیان تشکیل می‌دادند. فعالین کارگری پس از بازگشت به ایران در فرقه اجتماعیون - عامیون (سو سیال دموکرات) ایران فعال بودند و بسیاری از آنها بنیانگذار یا از اعضای تشکیلات همت بودند. و در تشکیلات عامیون و اجتماعیون شرکت داشتند. در مرامنامه آن آمده است:

" قرن بیستم برای شرق دوره تجدد است... ایران باید به شکل مملکت قانونی در آید و حکومت مرکزی قوی شود تا خارجیان نتوانند آنرا تضييق نمایند... در مورد حقوق مدنيه، همه افراد باید مساوی باشند و در مقابل قانون مساوی باشند از هر نژاد و مذهب و ملیت که باشند. آزادی‌های کلام، مطبوعات، اجتماعات، جمعیت‌ها و تعطیلات و اقامت و مسافرت را می‌خواهد. قانون انتخابات باید مساوی، عمومی، مخفی، مستقیم و متناسب باشد... قوه قضائیه از اجرائیه باید جدا باشد... قوه سیاسی باید از قوه روحانی جدا باشد... و تعلیم و تربیت مجانی و اجباری و توجه به تربیت زنان بشود. خدمت نظام نیز باید اجباری باشد."^۷

^۳- خلسه، مشهور به خوابنامه، به کوشش محمد کتیرایی، کتابخانه طهوری

^۴- مخبرالسلطنه به دربار رفت و به محمدعلی شاه گزارش داد. پس از بازگشت به مجلس از قول شاه به نمایندگان گفت: « با همه محذورات عزل مسیو نوز و پریم، آنها را عزل کردیم و لفظ مشروطه را هم مشروعه می‌کنیم که ما دولت اسلام هستیم و سلطنت مشروعه باشد .

<http://iranchehr.com/?p=۳۱۰۱>

^۵- جستارهایی از تاریخ ایران، ویلم فلور ص ۲۶۰، ۲۸۳ و ۲۸۴

^۶- محمدعلی کاتوزیان اقتصاد سیاسی ایران ۱۳۸۰

^۷- اتحادیه نظام مافی، منصوره (۱۳۸۱) پیدایش و تحول احزابی سیاسی دوره مشروطیت، تهران، انتشارات کتاب سیامک،

سوسیال دموکرات‌های قفقاز و نیز اجتماعیون عامیون ایرانی در دوران مشروطه در رادیکالیزه کردن و تعمیق آن سهم قابل توجه داشته‌اند. دو اتحادیه کارفرمایی در سال ۱۲۸۵ در ایران شکل گرفته هم‌زمان طبقه کارگر ایران در سال‌های ۷-۱۲۸۶ توانسته بود سندیکای کارکنان چاپخانه‌های تهران، قالی‌بافان کرمان، کارگران واگن‌های اسبی و تلگرافچیان را به جود آورد.^۸

در همین سال‌ها اعتراضات و اعتصابات گزراش شده که توسط زنان کارگر انجام می‌شده است. اعتراضاتی که بدون سازماندهی امکان‌پذیر نبوده است. در شماره ی ۹ حبل‌المتین سپتامبر ۱۹۰۶ از اعتراض زنان ابریشم کار در مازندران صحبت شده و یا در همین نشریه در سال ۱۹۰۷ در مورد اعتراض زنان بیوه‌ای می‌خوانیم که حقوق بازنشستگی آنان به تعویق افتاده و در میدان توپخانه نزدیک مجلس تحصن کرده و بست نشسته بودند و یا اعتصاب کارگران قالی‌باف کرمان در سال ۱۹۲۳. اکثر این کارگران نیز زنان و کودکان بی‌سواد بوده‌اند و این اعتصاب چنان موثر افتاد که فرماندار کل کرمان مجبور شد تا قانون ۸ ساعت کار روزانه را و تقاضاهای متعدد دیگر کارگران را با یک فرمان رسمی قابل اجرا در سطح ملی به تصویب برساند.

زمین‌داران سابق به کارفرمایانی تبدیل شدند که کارگران را جزء ملک و املاک خودشان می‌پنداشتند و کارگران مهاجر نیز به دلیل نداشتن تجربه هیچ حق و حقوقی را طلب نمی‌کردند. اما کارگران مهاجری ایرانی اولین سندیکای چاپ خود را توسط محمد پروانه در همان سال پذیرفتن مشروطه سلطنتی به وجود می‌آورند. فضایی سیاسی سال‌های قبل از کودتای رضا خان و کشتار ۲۴ هزار نفر در همان سال از شدت و میزان مبارزات کارگران کم نکرد و کارگران توانستند حتی در زمان دستگیری رهبران‌شان و حتی بسته شدن ۱۴ روزنامه در سال‌های ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ اعتصابات خود را ادامه دهند. این اتحادیه دو سال بعد توانست با اعتصاب چهارده روزه خود پیروزی برای کارگران چاپ به همراه بیاورد.

اینکه این اتحادیه‌های کارگری تحت تاثیر احزاب سوسیال دموکرات یا اتحادیه مهاجران روسیه بوده اند بحثی است واقعی، زیرا ورود افکار سوسیال دموکراسی از طریق کارگران و دانشجویان مهاجر وجود داشته و متأسفانه عدم پایداری و ادامه حمایت سوسیال دموکراسی در ایران بهایی زیادی برای جنبش کارگری به وجود آورد. زیرا جنبش کارگری روسیه در دل یک توسعه سیاسی سوسیال دموکراسی به انقلاب کارگری ۱۹۱۷ رسید در صورتی که جامعه کارگری ما هنوز از لحاظ اقتصادی چندان رشدی نداشت. اما پیروزی انقلاب اکتبر بالطبع تاثیر به سزایی در آینده کارگری ایران را با خود داشته است. به همین روال زمانی که دهگان برای شرکت در چهارمین کنگره جهانی انترناسیونال سوم به شوروی می‌رود محمد آخوندزاده جانشین او نمی‌تواند سندیکا را هدایت کند.

از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲

با ورود متفقین به ایران در شهریور ۲۰ تعدادی از زندانیان سیاسی آزاد شدند. در ۷ مهرماه همان سال باقی گروه ۵۳ نفر که خود را در حزب توده متشکل کرده بودند کمیته مرکزی خود را اعلام کردند. اما این حزب در واقع مبارزه خود را علیه دیکتاتوری تنظیم کرد نه براساس خواست جنبش کارگری بلکه سیاست‌های خرده بورژوازی و عوام‌پسند را در پیش گرفت. مرامنامه‌اش را این گونه تنظیم کرد:

۱- استقلال و تمامیت ارضی ۲- برقراری رژیم دموکراسی و تامین آزادی‌های فردی و اجتماعی ۳- مبارزه با دیکتاتوری و استبداد ۴- اصلاحات ارضی و بهبود وضع کشاورزان ۵- اصلاحات فرهنگی ۶- تعدیل مالیات ۷- اصلاح امور بازرگانی و توسعه صنایع و حمل و نقل ۸- ضبط اموال پادشاه سابق.

^۸ - سندیکالیزم در جنبش کارگری ایران در فاصله سالهای ۱۳۲۰-۲۵ تورج اتابکی

این خواست‌ها در چارچوب قانون اساسی وقت بود. نشریه رهبر مورخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۳ نوشت:

"نسبت کمونیستی به حزب توده ایران نسبتی است که دسته سید ضیا می‌کوشند به ما وارد سازند و بدین وسیله سعی دارند سرمایه‌داران و تجار ایرانی را از ما بترسانند، نسبتی غلط و دور از حقیقت. حزب توده ایران حزبی است مشروطه‌خواه و طرفدار قانون اساسی، چرا؟ زیرا ما معتقدیم که افکار کمونیستی و سوسیالیسم زائیده شرایط اجتماعی خاصی است که در ایران وجود ندارد و اگر روزی حزب کمونیست در ایران به وجود آید آن قطعاً حزب توده نخواهد بود."

در رابطه با عضوگیری کارگری حزب توده در آن دوران آلبرت سهرابیان در برگی از جنبش کارگری ایران چنین می‌نویسد:
"روزی هنگام بازگشت به منزل، آوانس مرادیان را دیدم که به سوی خیابان قوام‌السلطنه در حرکت بود. پس از احوال‌پرسی با یکدیگر دریافتم که با شتاب می‌خواهد به جایی برود. از او پرسیدم با این همه عجله کجا می‌روی؟ گفت، شنیده‌ام در اینجا حزبی بنیان‌گذاری شده که از کارگران طرفداری می‌کند و هوادار کارگران است. هنگامی که پاسخ او را شنیدم ناگهان نیروئی درونی مرا به طرف این هدف کشید. به او گفتم پس من هم به همراه تو می‌آیم. دست یکدیگر را گرفته و به طرف نشانی‌ای که آوانس می‌دانست حرکت کردیم."^۹

شورای متحده مرکزی که در سال ۱۳۲۱ تاسیس شد نه از دل جامعه کارگری بلکه محصول تشکیلاتی خارج از محیط کار بوده است. حزب توده این چنین می‌گوید:

"حزب توده از همان نخستین روز فعالیت خود، دست به کار شد و مبارزه‌ای پیگیرانه را برای تشکل زحمتکشان سازمان داد. توده‌ای‌ها تلاش خستگی‌ناپذیری را برای ایجاد سندیکاها و واقعی و مستقل در کارخانه‌ها و موسسات خدماتی به کار بردند."^{۱۰}

شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگران ایران در ۱۷ مهر ۱۳۲۱ اولین کنفرانس ایالتی تهران را برگزار کرد و برنامه مصوب این کنفرانس بدین قرار بود: ۱- تشکیل حکومت دمکراتیک ۲- اجرایی آزادی‌های قانون اساسی و لغو قانون سیاه ۱۳۱۰ و دادن حق رای به زنان ۳- تقسیم بلاعوض املاک خالصه و املاک اختصاصی رضاشاه ۴- قانون ۸ ساعت کار و به رسمیت شناختن اتحادیه‌های کارگری. در تمام سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۷ از کنگره اول تا دوم فعالیت‌های حزب توده کوشش برای همکاری با احزاب و دسته‌های مختلف سیاسی برای دفاع از شعارهای دمکراتیک، بسیج حزب برای شرکت در انتخابات دوره پانزدهم، فعالیت‌های پارلمانی و مساله نفت و شرکت در دولت قوام بود. حتی زمانی که بیش از صد هزار کارگر نفت جنوب در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ در اعتصاب بودند رادمنش و روستا به جنوب می‌روند برای خاموش کردن اعتصاب. براساس آمار حزب توده در مقطع ۱۳۲۱ تعداد اعضایش بالغ بر ۳۰۰۰۰ نفر بود. بر اساس آمار حزبی تعداد اعضای شورای متحده مرکزی در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۳ جمعا ۱۵۰۰۰۰ نفر بود.^{۱۱}

در جریان انتخابات مجلس چهاردهم حزب توده و شورای مرکزی طی بیانیه مشترکی اعلام کردند که برای شرکت در انتخابات تهران، هیأت مؤتلفه‌ای تشکیل داده‌اند و از اعضای خود خواستند که به نامزدهای انتخاباتی مشترک آنها رأی دهند. اما با وجود ادعای تعداد اعضای حزب و تعداد اعضا سندیکاها در آن دوران کوران انقلابی حتی در زمان نامزدی انتخاباتی هم نتایج‌اش نشان می‌دهد که واقعیت چه بوده است. شورای مرکزی برای کاندیداتوری، رئیس خود ابراهیم محضری و دبیر خود حسین جهانی را نامزدهای انتخاباتی تهران معرفی کرد. حزب توده رضا روستا، ایرج اسکندری، نورالدین الموتی، سلیمان محسن (اسکندری)، دکتر

^۹ <http://www.nashrebidar.com/gunagun/ketabha/albert.sorabiyen/chegonagi.htm>

^{۱۰} <http://www.tudehpartyiran.org/۲۰۱۳-۱۲-۰۳-۲۲-۳۱-۰۴/۵۹->

مرتضی یزدی و دکتر رضا رادمنش را به عنوان نامزدهای انتخاباتی تهران برگزید. اگر به تعداد اعضا و تعداد رای‌های داده شده هم توجه کنیم مشخص می‌شود حزب توده پایگاه کارگری نداشته و بیشتر در میان روشنفکران مطرح بوده است.^{۱۲}

روزنامه "رهبر" در شماره ۱۷ تیر ۱۳۲۴ نوشت: فدراسیون سندیکائی جهانی کنفرانس دیگری در سپتامبر ۱۹۴۵ در پاریس تشکیل داد. شورای متحده به عنوان یگانه مرکز سازمان اتحادیه‌های ایران شرکت خود را در این کنفرانس خواستار شد و پاسخی به مضمون زیر از دبیر کمیته اداری کنفرانس لوئی سایان دریافت داشت:

"رفقای عزیز- تلگراف شما رسید از درخواست تشکیلات شما برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی اتحادیه‌ها که در ماه سپتامبر آینده در پاریس تشکیل خواهد شد مستحضر شدم. طبق تصمیمی که از طرف کمیته اداری کنفرانس بین‌المللی اتحادیه‌ها اتخاذ شده است تقاضای شما در جلسه کمیته نامبرده مطرح و بررسی خواهد شد و بعدا با اظهار نظر خود به کمیته کنفرانس جهانی که در بیستم سپتامبر تشکیل می‌شود پیشنهاد خواهد شد... برای تشکیلات شما امکان دارد... یک یا چند نفر نماینده که به تناسب تعداد اعضاء تشکیلات شما می‌باشد به پاریس اعزام دارید. رفقای عزیز خواهشمندم بهترین احساسات صمیمانه سندیکالیستی مرا قبول نمائید.

این حزب تا زمان غیرقانونی شدنش در ۱۶ بهمن ۱۳۲۷ به دنبال تیراندازی به شاه، در اساس کارگران ایران را ابزاری برای منافع کمینترن کرده بود و در اوج دوران دولتی شدن نفت (نفت ایران هیچگاه ملی نشد بلکه دولتی شد) صنعت نفت از یک انحراف به انحراف دیگر در غلطید و مصدق را به عنوان دست پرورده امپریالیسم امریکا مطرح کرد.

تنها رهبران کارگری بهای سیاست یک دهه حزب توده را پرداختند. بخش‌های بسیاری از این افراد صادق در دهه ۳۰ دستگیر، زندانی و اعدام شدند. تنها در پلنوم چهارم در تیرماه ۱۳۳۶ یک انتقاد به خود کردند همانند انتقاد به خود بعد از همکاری‌های دهه شصت. اگر حزب واقعا توانسته بود ۱۶ شکل کارگری داشته باشد آیا به راحتی هم شکسته و متلاشی می‌شد.^{۱۳}

۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷

با توجه به اسناد و مدارک تاریخی موجود و اظهارات فعالین سیاسی آن زمان تا پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هر گونه فعالیت صنفی و کارگری تحت تاثیر حزب توده بوده است نه خودجوش و از درون طبقه کارگر بلکه تحت تاثیر حزب توده و جریانات کمونیستی شوروی. کارگران ایران بسیار جلوتر از توسعه سرمایه‌داری در ایران فعالیت و برخورد کرده اند که بیانگر بینش سیاسی حاکم بر جامعه کارگری در آن زمان می‌باشد و می‌بینیم در زمان کودتای ۲۸ مرداد طبقه کارگر به نقش تاریخی خود و مقابله با

۱۲- (همانجا) ص ۷۵ بنقل از روزنامه مردم، ۹ آبان ۱۳۲۲

در این انتخابات که برای ورود به مجلس چهاردهم بود ابراهیم محضری ۲۸۳۱ رای از مجموع ۴۱۰۰۰ رای ریخته شده در صندوقها را داشت و موفق به ورود به مجلس چهاردهم نشد

۱۳ <http://www.nashrebidar.com/gunagun/ketabha/albert.sorabiyan/chegonagi.htm>

"اتحادیه مرکزی از شانزده اتحادیه و انجمن گوناگون کارگری تشکیل شده بود که عبارت بودند از ۱_ اتحادیه کارگران چاپ تهران، ۲_ اتحادیه کارگران کفاش، ۳_ اتحادیه کارگران نان پز، ۴_ نماینده کارگران داروساز، ۵_ اتحادیه معلمان که در حقیقت اتحادیه روشنفکران و کارمندان وزارت فرهنگ بود، ۶_ اتحادیه کارکنان پست و تلگراف، ۷_ نمایندگان کارکنان و رفتگران شهرداری، ۸_ اتحادیه کارگران ساختمانی، ۹_ اتحادیه کارگران سیگارسازی، ۱۰_ اتحادیه کارگران حمام، ۱۱_ اتحادیه کارگران بزازخانه تهران، ۱۲_ اتحادیه نماینده مرکزی شاگردان تجار تهران، ۱۳_ اتحادیه کارگران پارچه بافت تهران، ۱۴_ اتحادیه باربران بندر انزلی، ۱۵ و ۱۶_ کارگران نانوائی‌های تافتونی و کارگران جوراب باف"

شکل‌گیری فاشیسم به علت دستگیری سران حزب توده و جریان‌های سیاسی آن زمان که بر جامعه کارگری حاکم بوده عمل نکرد و آنان تصمیم‌گیری مستقلی در رابطه با این وقایع به طور مشخص و بارزی نداشته‌اند و علناً بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ به دلیل شرایط خفقانی که حاکم بوده احزاب و جریان‌های سیاسی قادر به فعالیت نبودند. هر دو این گروه‌ها و یا هر دو طرفداران این معادله چه آنهایی که در داخل غیرمستقیم کارگران را از سازماندهی طبقاتی دور می‌کنند و چه آنهایی که می‌خواهند سازماندهی کارگری را در چارچوب وضع موجود نگه دارند و چه آنهایی که در خارج از مبارزات طبقه کارگر زیر لوای سوسیالیسم و کمونیسم حمایت می‌کنند در بهترین حالت محصول منازعات دهه بیست میلادی در کشور شوروی هستند. این تفسیر خاص از سوسیالیسم تنها به جامعه ایران مربوط نمی‌شود.

ف صنعت گر در مقاله بلشویزم و انقلاب در جامعه عقب مانده چنین مطرح می‌کند: "به نظر می‌آید ضعف این نوع سازماندهی واقعی کارگری تاثیر بسیار زیادی بر خود تشکلات سیاسی داشته است. با یک سازماندهی و تولید فعالیت کارگری روبرو هستیم که دلیل اصلی آن به ساختار سرمایه‌داری در ایران بر می‌گردد و این ساختار نیروهای طرفدار جنبش کارگری را با یک معضل تئوریک و گاه گیجی تئوریک روبرو کرد و در توضیح این شرایط به مقولات مکتب وابستگی مانند "متروپل"، "وابسته"، "تحت سلطه"، "سرمایه‌داری وابسته" و "کمپرادور" بودن هیئت حاکمه "تضاد خلق" و غیره زیان‌های جدی به پروسه تدوین استراتژی تشکل‌پذیری و تحولات بنیادی برای کارگران ایران به همراه آورده است. این نوع تئوری‌ها هنوز نظرات بسیاری از روشنفکران است و امروز با یک دگردیسی خود را در تئوری‌های ضد امپریالیستی نشان می‌دهد. از طرفی با مرور تاریخ تشکیل تشکل‌های کارگری در ایران می‌توان به مواردی اشاره کرد که هم به لحاظ تئوریک و هم عملی حائز اهمیت می‌باشد.

در رابطه با همین شرایط در نشریه نظم نوین آمده است :

"این وضع تا سال ۱۳۲۵ ادامه یافت. سالی که فحطی بی سابقه سراسر نواحی شمال ایران را فراگرفته بود و تقریباً صدها و هزاران نفر از گرسنگی تلف می‌شدند و گرانی دائم التزاید خواربار، توده‌های وسیع کارگران و زحمتکشان را به مرگ از گرسنگی تهدید می‌کرد. این بار نیز کارگران چاپخانه‌های تهران پیش قدم شده و اتحادیه صنفی خود را تشکیل دادند. آنان بعد از چند اعتصاب، دولت و کارفرمایان را وادار ساختند تا لایحه قرارداد دسته جمعی را که توسط خود آنان تنظیم شده بود و تا حدی وضع روابط متقابل کارگران و کارفرمایان را معین می‌کرد، تصدیق نماید. ضمناً تا حدی وضع اقتصادی خود را بهبود بخشیدند. در این قرارداد، هشت ساعت کار روزانه، سیستم پرداخت اضافه کار، بهبود شرایط بهداشتی در مطبوعه‌ها و غیره مقرر شد."

طبق اطلاعات و مدارک موجود تا سال ۱۳۴۳ تعداد ۷۳ سندیکای کارگری در تهران و ۳۸ سندیکای کارگری در شهرستان‌ها تشکیل شد اما پس از اصلاحاتی که در سال ۱۳۴۳ در قانون کار به وجود آمد فعالیت سندیکاها در سطح حرفه و کارگاه محدود گردید. طبق آمار تا پایان سال ۱۳۴۸ تعداد ۲۷۰ سندیکای کارگری و در پایان سال ۱۳۵۳، ۶۱۲ سندیکای کارگری و ۱۴ اتحادیه کارگری و در پایان سال ۱۳۵۷ جمعاً ۱۲۱۶ سندیکا و ۲۶ اتحادیه کارگری فعالیت داشتند.

البته سرمایه‌داران کوچکی و یا صاحب کار خود در بخش قالی بافی، پارچه بافی، پوشاک، نجاری، فلزکاری فروشندگان خرده پا و مالکین ماشین برابری و تاکسی آمار در مقایسه با سال ۵۵ وجود ندارد. البته نسبت به سال ۵۵ هم افول نیروی کار نسبت به جمعیت بسیار بالا است ۳۳ درصد. البته دیگر نیروی کار مانند پزشک، دندانپزشک، وکیل، حسابدار و متخصصان افزایشی دوبرابر داشته است.

البته دولت ایران همیشه اذعان کرده که در تمامی این سال‌ها گاه تا ۷ درصد از نیروی کار ایران به دلایل سیاسی و اقتصادی از کشور خارج شده اند.^{۱۴}

اگر اقتصاد ایران در بخش کارگری کوچک شد اما بخش دولتی ۸۸ درصد رشد کرد. به طور مثال در بخش آموزش، بهداشت و بیشترین رقم آن در بخش نظامی و شبه نظامی بوده است. در بخش نفت، پتروشیمی، نیروگاه‌های برق-آب، معادن، کارکنان دولتی - شهرداری‌ها، حمل و نقل، خودروسازی، سدها، خدماتی به بخش خصوصی و یا زیر مجموعه دولتی روبرو هستیم.

در حالی که جنبش کارگری به طور جدی از درخواست خواسته‌های صنفی خود در این دوران تا تقریباً قیام ۱۳۵۷ ناتوان و قادر به سازماندهی خود نبوده است. گرچه باید اشاره کرد که از سال ۱۳۵۴ بعضی سازمان‌های چپ اقدام به فعالیت در کارخانه‌ها نمودند تا بدین وسیله به ارتباط گیری با کارگران و سازماندهی طبقه کارگر بپردازند و اثرات این حرکت را تا اوایل سال‌های دهه شصت می‌توان دید اما این حرکتی سیاسی و از بیرون به درون طبقه کارگر بود و نه سازماندهی که توسط کارگرانی که به آگاهی طبقاتی رسیده باشند.

^{۱۴} <http://www.tasnimnews.com/Home/Single/۷۱۳۳۳۸>